

مصاحبه با بوگولیوف استاد زبان فارسی در دانشکده خاورشناسی دانشگاه سن پترزبورگ

س: در آغاز بفرمایید چطور شد به زبان فارسی علاقه مند شدید و در کجا این زبان را فرا گرفتید؟

ج: وقتی که شاگرد دبستان بودم زبانهای خاور نزدیک را دوست می داشتم. از میان این زبانها زبان فارسی از همان آغاز توجه مرا جلب کرد به این دلیل در سال ۱۹۳۶.م در دانشگاه لنینگراد سابق که اکنون دانشگاه سن پترزبورگ نام گرفته است به فراگیری زبان فارسی به عنوان یکی از زبانهای خاور نزدیک مشغول شدم. در سال ۱۹۴۱.م از دانشکده خاورشناسی این دانشگاه با تخصص ایرانشناسی فارغ التحصیل شدم و از آن زمان تا حال چهار بار به ایران سفر کرده ام که در هر یک از این سفرها غیر از امور دایره ای که مدت سه ماهی است در ایران مانده ام. تنها یک ماه در این اقامت می کردم. در سفر اخیر از طرف فرهنگستان به ایران دعوت شدم و در آنجا مجموعه سخنرانیهایی در مورد زبان خوارزمی دارم. این زبان یکی از زبانهای مطرح تا قرن ۱۲ تا ۱۳ میلادی بوده است و احتمالاً زبان محاوره بوده است. این زبان امروزه کاربرد خودش را از

دست داده است. متن درسی متن ترجمه مقدمه‌الادب زمخشری است. در قرن دوازدهم میلادی در قرون وسطا ترجمه‌هایی از آن به زبان فارسی، ترکی و مغولی شده است که یکی از این ترجمه‌ها ترجمه خوارزمی از زبان عربی بوده است و می‌توان گفت در واقع این کتاب فرهنگ و دستور عربی است و نمونه‌ای است برای آموختن عربی برای اشخاصی که زبان مادریشان فارسی یا ترکی بوده است. در این ترجمه خوارزمی هر کلمه عربی را معنا کرده و حتی بر اساس معاینی که از بعضی از کلمات و افعال ارائه کرده است، می‌توان از دستور خوارزمی صحبت کرد.

البته باید افزود که زبان خوارزمی بیشتر به فارسی میانه و زبانهای باستان نزدیک است و اسلوب خاصی دارد که تخصص ویژه‌ای می‌طلبد به همین دلیل فرهنگستان از بنده که تا حدودی با زبانهای باستان ایران آشنا هستم درخواست کرد که این کتاب را تدریس کنم. از طرفی باید اضافه کرد که زبان به کار گرفته شده توسط خوارزمی به زبان سغدی نیز نزدیک است چون خوارزمی در حوزه‌ای نزدیک به مناطق سغدی نشین زندگی می‌کرده است.

البته لغت نامه خوارزمی واژه‌های فراوانی دارد که من به آنها واژه‌های قرضی فارسی و عربی می‌گویم ولی نمی‌توان از قرض واژه‌های سغدی در این لغت نامه سخن گفت، اما گاه واژه‌هایی استفاده شده است که به زبان سغدی نزدیک است. علت آن هم این است که سغدی زبان پیش از حاکمیت اسلام بر بخشی از ایران است ولی خوارزمی این لغت نامه را در قرن ۱۲ یا ۱۳ م به نگارش درآورده است و این فاصله زمانی را نباید از یاد برد.

س: بعد از فارغ‌التحصیلی در رشته ایرانشناسی در این زمینه چه فعالیت‌هایی کرده‌اید؟
ج: از سال ۱۹۶۶ م در دانشکده خاورشناسی دانشگاه سن پترزبورگ

ریس می‌کنم و موادی همچون زبانهای فارسی باستان و میانه و حتی آن محاوره را در این دانشگاه درس داده‌ام.

مدت سی و پنج سال رئیس دانشکده خاورشناسی دانشگاه مزبور بوده‌ام در این دانشکده تمام زبانهای خاور زمین از فلیپین تا ژاپن و تا ساحل اقیانوس اطلس یعنی زبانهای خاور دور و نزدیک تا آفریقا تدریس می‌شود. یعنی تمام زبانهای مشرق زمین خواه شرق دور، خواه شرق نزدیک. بعلاوه در دانشکده خاورشناسی ادبیات هم تدریس شود و کرسیهای مخصوصی درباره مطالعه تاریخ ملل مشرق زمین نیز دایر است. که فعال می‌باشند.

بنده با وجود علاقه‌ای که به تدریس دارم اکنون درخواست بازنشستگی کرده‌ام تا بتوانم به مطالعات و تحقیقات علمی برسم.

س: شیوه آموزش در بخش ایرانشناسی چگونه است؟
ج: دانشجویان در بدو ورود به دانشکده باید بدانند که خواهان چه نوع

تخصصی هستند. در مورد ایرانشناسی ما همواره از زبان فارسی شروع می‌کنیم اصل فراگیری زبان فارسی و تاریخ و تمدن این کشور باستانی است و در مرحله بعد به کشورهای دیگر نظیر افغانستان و دیگر مللی که صاحب زبان فارسی هستند توجه می‌کنیم. دانشجویان در این بخش دو سال و نیم فارسی می‌خوانند و بعد زبان دیگر مثلاً پشتو می‌خوانند. البته در سالهای اخیر تصمیم به بازگشایی کرسیهایی خاصی در زمینه مسائل کشورهای آسیای مرکزی گرفته شده است. تدریس زبان فارسی و زبان عربی همزمان با تأسیس این دانشکده در سال ۱۸۱۸ م شروع شده و بدون وقفه ادامه دارد و در مدت این دوست سال تحقیقات وسیعی در زمینه‌های مختلف صورت گرفته است.

دانشجویانی که رشته ایرانشناسی را برمی‌گزینند همه از زبان فارسی و عربی آغاز می‌کنند و در زمینه آموزش زبان فارسی هم به زبان فارسی

کلاسیک توجه می شود و هم فارسی امروز. و حتی سعی می شود زبان محاوره ای عربی و فارسی نیز به دانشجویان آموزش داده شود. بنده خودم در تدریس زبان فارسی هم متن کلاسیک تدریس می کنم و هم متون امروزی زبان فارسی را مورد توجه قرار می دهم و به این دلیل دانشجویان ایرانشناسی هم تا حدودی با زبان فارسی کلاسیک آشنا هستند و هم زبان فارسی محاوره را یاد می گیرند و حتی ما در دانشکده سعی می کنیم آداب و رسوم ایرانی را نیز به دانشجویان آموزش دهیم مثلاً در نوروز هر سال ما با شعرخوانی نمایشگاههای مختلف سعی می کنیم این سنت باستانی را به دانشجویان عملاً نشان دهیم. البته آموختن زبان فارسی در ایران بازدهی صددرصد بالایی دارد چرا که تا اندازه ای زبانی که در خارج تدریس می شود حالتی مصنوعی دارد و کمتر توانایی پاسخگویی به دانشجو را برای رفع حاجات روزانه آنان دارد.

س: در دانشکده خاورشناسی مدارج تحصیلی چگونه است؟

ج: دوره تحصیل در بخش ایرانشناسی در رله اول پنج سال است که دانشجویان باید چند متن علمی بنویسند و یا ترجمه ای از زبان فارسی به زبان روسی و یا بالعکس به گروه ارائه دهند. در پایان دوره پنج ساله باید پایان نامه بنویسند و به شیوه مرسوم از آن دفاع کنند و قبلاً در پایان این دوره به دانشجو دیپلم داده می شد که معنایش تخصص داشتن در تاریخ ایران بود و درجه دیگری به دانشجو نمی دادند اما اخیراً تغییراتی در این زمینه صورت گرفته است مثلاً دوره پنج ساله به چهار ساله کاهش یافته و بعد از اتمام این چهار سال به دانشجویان مدرک کارشناسی می دهند و دانشجویانی که پنج یا شش سال در این رشته تحصیل می کنند به آنها مدرک کارشناسی ارشد داده می شود و بعد از آن دانشجو فارغ التحصیل می شود و می تواند با ارائه یک کار علمی نامزد علوم شود.

اضافه می کنم در کشور ما دو درجه علمی وجود دارد یکی نامزدی

علوم و دیگری دکتری علوم است. اگر دانشجویی کاری علمی ارائه کرد و آن کار پذیرفته شد به او درجه نامزدی علوم داده می شود. و معمولاً شخصی به درجه دکتری علوم می رسند که سالخورده باشند و عمر را بر سر کار تحقیقات گذاشته باشند. البته در حوزه علوم تجربی دریافت درجه دکتری به سختی دریافت این درجه در علوم انسانی نیست بخصوص کسانی که در زمینه فقه اللغه کار می کنند معمولاً در چهل تا پنجاه سالگی موفق به اخذ درجه دکتری می شوند.

در این دو مرحله در مرحله اول دانشجو با ارائه یک رساله خواهان درجه نامزدی علوم می شود و در مرحله بعد با یک تحقیق علمی ارزنده. خواهان گرفتن درجه دکتری علوم می شود.

س: آیا کتابخانه دانشکده خاورشناسی نیاز محققان و دانشجویان را برآورده می کند.

ج: کتابخانه دانشکده خاورشناسی غنی است زیرا همه کتابهای قرن گذشته در آن موجود است نه تنها در زمینه مسائل ایرانشناسی بلکه در زمینه شناخت تمامی کشورهای خاور دور و نزدیک کتابخانه از غنای خوبی برخوردار است اما در سن پترزبورگ علاوه بر کتابخانه دانشکده خاورشناسی انستیتو آکادمی علوم روسیه نیز دارای کتابخانه بسیار ارزشمندی می باشد که در آن نسخ و کتب عالی و منحصر به فردی موجود است که بسیاری از محققین و خاورشناسان از سراسر دنیا برای مطالعه به این کتابخانه مراجعه می کنند. و غیر از این در سن پترزبورگ کتابخانه ملی وجود دارد که از شهرت جهانی برخوردار است چرا که از حدود سه تریون قبل بسیاری از کتابهایش را از همه نقاط جهان خریداری کرده است یعنی اگر یک دانشجو یا محقق خواهان تحقیق در مسائل ایرانشناسی باشد تمام منابع در دسترس او است. با این وجود باید گفت کتابخانه همیشه محتاج افزایش کتاب است.

س: آیا نسخه و یا نسخه‌های منحصر به فردی در این کتابخانه‌ها در زمینه زبان فارسی و یا تاریخ و تمدن ایران وجود دارد.

ج: من متخصص نسخ نیستم اما می‌دانم بسیاری نسخ بسیاری به عربی، ترکی و فارسی و چینی در این کتابخانه‌ها موجود است. باید اضافه کنم که در دانشکده خاورشناسی زبانهای باستان بسیاری از کشورها و مناطق مثل مصر باستان و یا زبانهای باستان بین‌النهرین نیز تدریس می‌شود که بنده خودم ریاست این بخش را بر عهده داشتم که در این بخش زبانهای باستان مثل زبانهایی که در منطقه بین‌النهرین بوده‌اند و به زبانهای سامی و زبانهای خاوری نزدیک هستند مورد تحقیق و تتبع قرار می‌گیرند. در این کرسی بیشتر با زبانهای قدیمی سروکار دارند و چون این زبانها در حقیقت زبانهای فاقد منابع مکتوب هستند ما در بررسی آنها زبانها بیشتر با اسناد قدیمی و حکاکیهای روی سنگها و سفالها روبرو هستیم تا نسخ و کتب.

س: آیا در بخش ایرانشناسی در مورد لهجه‌های مختلف ایران زمین نیز تحقیقات و تتبعاتی صورت گرفته است؟

ج: چنانکه گفتم در مدت پنج سالی که دانشجویان زبان فارسی می‌آموزد بیشتر با زبان فارسی کلاسیک و زبان فارسی محاوره سروکار دارد و تا حدودی نیز با تاریخ زبانهای ایران باستان و بعضی از متون پهلوی و اوستایی آشنا می‌شوند. به این دلیل دانشجویان فرصت کافی برای مطالعه لهجه‌ها در این دوره ندارد اما برنامه تحصیلی به گونه‌ای است که دانشجویان می‌توانند در انتخاب موضوع پایان‌نامه‌هایشان به لهجه‌های زبان فارسی نیز توجه کنند. چنانکه بنده خودم به یکی از دانشجویان توصیه کردم بخشی از کتاب پروفیسور ژوکوفسکی را که درباره لهجه‌های ایران است ترجمه کند. پروفیسور ژوکوفسکی از جمله محققینی بود که در باب لهجه‌های پراکنده در ایران تحقیق کرده است و این مرحوم از خود سه

جلد کتاب با ارزش به جا گذاشته است که بعضی از نوشته‌های او ترجمه شده است. به این سبب گاه به دانشجویان توصیه می‌کنم که قسمتهایی از این کار عظیم تحقیقاتی را ترجمه کنند. البته زبانهایی همچون کردی و بلوچی نیز مورد توجه بوده و تحقیقات مفصلی در مورد آنها انجام شده است. چنانکه محققانی همچون گرومبرگر و زروین در زمینه زبان بلوچی به تفصیل کار کرده‌اند اما بیشتر به بلوچهای منطقه عشق‌آباد توجه داشته‌اند تا به بلوچهای ایران. و همین جناب زروین در زمینه زبانهای پامیر نیز تحقیقات جامعی صورت داده که امروزه پروفیسور کامنسکی، که در حال حاضر ریاست دانشکده خاورشناسی را بر عهده دارد، کار او را دنبال می‌کند. اما زبان کردی خود شعبه مخصوصی در آکادمی علوم روسیه در بخش خاورشناسی دارد که البته کار این شعبه تحقیق در مورد ادبیات و فرهنگ کردهای ملل مختلف است که در این زمینه فرهنگنامه‌های مختلفی نیز چاپ کرده‌اند.

س: بدون شک شناخت فرهنگ ایران از رهگذر ترجمه متون ایرانی بسیار می‌شود تا چه حد متون فارسی ترجمه شده به روسی برای شناختن سبب فرهنگی ایرانی کفایت می‌کنند؟

ج: من می‌توانم به جرأت بگویم از شاهنامه ترجمه خوبی به روسی ارائه شده است که مترجمین اولیه آن ابوالقاسم لاهوتی و همسرش خانم بانو در این زمینه زحمت زیادی کشیدند. البته از شاهنامه ترجمه‌های دیگری نیز وجود دارد اما این ترجمه‌ها کامل نیست چرا که معمولاً داستان خاصی شاهنامه را مترجم برگزیده و آن را ترجمه کرده است اما ترجمه لاهوتی ترجمه تمام شاهنامه است که در شش مجلد به چاپ رسیده است. البته مقالاتی نیز در مورد شاهنامه در مسکو چاپ شده است مثل توضیحات پروفیسور بلدیرف که عالمانه است. به غیر از شاهنامه آثار نظامی نیز به

روسی ترجمه شده است همچنین چهار مقاله نظامی عروضی و گلستان و بهارستان، دیوان حافظ و رباعیات خیام نیز به این زبان ترجمه شده‌اند، در اجتماع روس فردوسی، حافظ و خیام بیش از دیگران شناخته شده هستند تا آنجا که حتی شاعرانی مثل پوشکین به شعرهای این بزرگان پاسخهایی داده‌اند.

س: در مراکز دانشگاهی و پژوهشی روسیه تا چه حد ادبیات معاصر ایران شناخته می‌شود، آیا درس خاصی در این زمینه منظور شده است؟
بنده خودم با آثار هدایت آشنا هستم و کتاب اصفهان نصف جهان او را در زمره کتابهای درسی ترار داده‌ام و خواندن آن برای دانشجویان اجباری است. البته چون تخصص بنده بیشتر زبانهای باستان است کمتر با ادبیات معاصر سر و کار دارم و دوستانی که تخصصشان ادبیات فارسی است بیشتر با ادبیات معاصر آشنا هستند.
س: در حال حاضر چند دانشجوی ایرانی در گروه ایرانشناسی مشغول به تحصیل هستند؟

ج: در حدود بیست تا بیست و پنج نفر ایرانشناسی می‌خوانند و چند استاد دو معلم نیز داریم اما یکی از بهترین استادان گروه که سی سال در دانشکده زبان فارسی محاوره تدریس می‌کرد بازنشسته شده است. در حال حاضر به جای او استادی جوان از اهالی تاجیکستان تدریس می‌کند.
س: برای تقویت روابط فرهنگی و بسط مطالعات دانشگاهی چه پیشنهادهایی ارائه می‌فرمایید؟

ج: خوشبختانه ارتباط روز بروز افزایش می‌یابد چنانکه دو سال قبل گردهمایی از شرق‌شناسان در ایران تشکیل شد که بسیاری از خاورشناسان در این گردهمایی حضور داشتند. این نوع فعالیتها قطعاً در ارتباط فرهنگی و تبادل تجارب مفید فایده زیادی دارند. همچنین آمدن دانشجویان در دوره‌های کوتاه مدت آموزش زبان فارسی در ایران در زبان

آموزشی این دانشجویان بسیار مهم است. چنانکه در بهار امسال چند تن از دانشجویان دانشکده خاورشناسی در دانشگاه اصفهان دوره‌های آموزشی مفیدی دیدند.

- جناب دکتر از اینکه وقتتان را در اختیار ما قرار دادید متشکریم.
- من هم متشکرم.

شاپور دوم و رایزن او گذشتاراد

نیاز ویکتور ونا بوگولیویف کاویا

مترجم: عنایت‌الله رضا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

زندگینامه قدیمان یکی از گونه‌های ویژه آثار ادبی سده‌های میانه است. این ژانر در تمدن‌های بسیار با جهت‌گیری تاریخی و زندگی و تاریخ مطالعه آثار هنری در داستانهای حاکی از بارها متنی و شناخت نمونه‌ها و مسائلی است که امروز برانگیخته است. این زندگینامه‌ها گاه حاوی دقایق بسیار خطرناک میسر می‌بندند تا شناخت، آداب، عین و عبادات سرده آن سرزمینها و سرخوردن با رویدادهای جدیدی دور از انتظار است. شرح و بیان زندگینامه‌ها و قرآنت آنها در مشرق زمین، مناظر روح شرقی (بیزانس) و زندگانه‌ها بسیارها سخت مورد توجه و علاقه مردم بوده و در جلسات روزانه‌ای که ویژه داستانسرایی و نصیحت‌آمیزی ترتیب می‌یافت، به کار می‌آمد. در غرب نیز این زندگینامه‌ها به زبان لاتین صورت محدودی متعددی رایج خورد گرفتند. سوریاییان نیز به زندگینامه‌ها دلستگی فراوان داشتند. بخشی از زندگینامه‌های مشهور که